

نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده‌های تابلویی (۲۰۱۳-۲۰۰۴)

روح اله بابکی^۱

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

مصطفی سلیمی فر^۲

استاد گروه اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۵

چکیده

تولید، فرایندی است که بر اساس آن، یک فعالیت تولیدی به برخی شرایط (قبل از شروع تولید و بعد از شروع تولید) نیاز دارد. یکی از مهم‌ترین شرایط لازم برای شروع تولید، محیط کسب و کار مناسب است و یکی از مهم‌ترین عواملی که باید پس از شروع تولید - در حین فرایند تولید و در زمان عرضه محصول و صادرات آن - مهیا گردد، آزادی اقتصادی است. از این رو، این مقاله به دنبال بررسی نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۳۰ کشور منتخب در طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ است. نتایج برآوردها با استفاده از روش داده‌های تابلویی نشان می‌دهد که محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین، نتایج حاصل از آزمون برابری دو ضریب نشان می‌دهد که اثرگذاری آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی بیشتر است.

کلیدواژه: محیط کسب و کار، آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: O50, O41, K20, C23

۱. نویسنده مسئول E-mail: babaki83@yahoo.com

2 mostafa@um.ac.ir

۱- مقدمه

محیط نهادی که تمام کسب و کارهای اقتصادی در آن شکل می گیرند، ادامه حیات می دهند، یا در آن ورشکست شده و از آن خارج می شوند، محیط کسب و کار فعالیت های اقتصادی نامیده می - شوند. این محیط، اهمیت حیاتی و تعیین کننده ای بر ورود، رشد و توسعه و خروج بنگاه های اقتصادی دارد. محیط کسب و کار^۱ در یک تعریف کلی، مجموعه عواملی است که بر عملکرد بنگاه تأثیر می گذارد، اما مدیر نمی تواند آن ها را به سهولت تغییر دهد. مبدع بحث بهبود محیط کسب و کار، دوستو^۲ بوده است. وی محیط کسب و کار را به عنوان عامل مهم در تولید معرفی کرد. محیط کسب و کار نامناسب با افزایش هزینه های تولید (هزینه های اعمال شده بر تولید از طرف محیط)، افزایش ریسک راه اندازی کسب و کار جدید، نامناسب کردن اندازه شرکت ها کاهش امکان تعامل شرکت ها و در نتیجه کاهش خوشه بندی و شبکه شدن شرکت ها، کاهش مشارکت های مالی و افزایش اقتصاد غیررسمی بر عملکرد اقتصاد، آثار منفی در پی دارد (Shahnazi & Dehghani Shabani, 2011).

از سوی دیگر، محیطی که با سرعت بخشیدن به کسب و کار و جذب سرمایه گذاری، زمینه تحریک رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، محیط نهادی امن و آزاد برای بنگاه های تولیدی شمرده می شود و ایجاد آن برای بهبود محیط کسب و کار الزامی است؛ زیرا آزادی فعالیت اقتصادی و امنیت کسب و کار، در ایجاد ساختار انگیزشی مناسب برای ارتقای عملکرد اقتصادی بنگاه های تولیدی حائز اهمیت است (Tayebi, 2013).

هدف این مقاله بررسی تأثیر محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی است. از این رو ۳۰ کشور انتخاب شده اند که ترکیبی از ۱۵ کشور با بالاترین درجه آزادی اقتصادی و ۱۵ کشور با پایین ترین درجه آزادی اقتصادی هستند^۳. دوره مورد بررسی این مقاله، ۲۰۱۳-۲۰۰۴

1. Business Environment

2. Hernando de Soto

۳. با انجام آزمون تلفیق پذیری (Poolability test) مقطعی داده های مدل آماره F با درجات آزادی ۲۳۰ و ۹۰ به دست آمد که مقدار ۰/۵۴۶۹۱۰۹۲ را نشان می دهد و ارزش احتمال این آزمون ۰/۹۹۹۸ است که نشان از رد نشدن فرضیه صفر آزمون دارد و در نتیجه امکان پذیری تلفیق داده ها رد نخواهد شد و داده ها به لحاظ مقطعی تلفیق پذیر خواهند بود. همچنین با انجام آزمون تلفیق پذیری زمانی

است. همچنین روش مورد استفاده در این پژوهش، روش داده‌های تابلویی^۱ است. این مقاله در پنج بخش تنظیم شده است: بعد از بخش اول که مقدمه‌ای از بحث در آن آورده شده است، در بخش دوم (مروری بر ادبیات موضوع)، به توضیح و تبیین محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی و شاخص‌های سنجش مربوط به هر یک که در این مقاله از آن استفاده شده است، پرداخته خواهد شد و همچنین مبانی نظری تأثیر هر یک از این دو متغیر بر رشد اقتصادی ارائه خواهد گردید. در پایان این بخش، مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه رابطه محیط کسب و کار و رشد اقتصادی صورت خواهد گرفت. در بخش سوم (روش پژوهش)، ابتدا الگوی پژوهش به طور کامل معرفی خواهد گردید، سپس چگونگی به دست آوردن داده‌های پژوهش و همچنین کشورها و دوره مورد بررسی در این مقاله، معرفی خواهند شد و بعد از آن، روش داده‌های تابلویی که در این مقاله از آن به منظور برآورد الگوی مورد استفاده قرار خواهد گرفت، توضیح داده خواهد شد. در بخش چهارم، به نتایج برآوردهای مقاله اشاره خواهد شد و در نهایت در بخش پنجم، نتایج و پیشنهادها ارائه خواهد گردید.

۲- مروری بر ادبیات موضوع

در ادبیات اقتصادی، از نیروی کار و سرمایه به عنوان دو عامل اصلی تولید یاد می‌شود. علاوه بر این، دو عامل محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی نیز نقش بسیار مهمی در تولید دارند. در واقع باید تولید را یک فرآیند و یا یک طیف در نظر گرفت و شرایطی که یک کار تولیدی به آن نیاز دارد نیز باید به دو بخش قبل از شروع تولید و بعد از شروع تولید تقسیم نمود؛ به عبارت دیگر، برای این که یک کار تولیدی به سرانجام برسد و بتواند محصولش را به بازار (در داخل و خارج از کشور) عرضه نماید، باید یک سری شرایط قبل از شروع تولید فراهم شود که همان محیط کسب و کار مناسب است و یک سری شرایط باید بعد از شروع تولید (یعنی در حین فرایند تولید و

داده‌های مدل آماره F با درجات آزادی ۶۳ و ۲۳۰ به دست آمد که مقدار ۰/۰۰۰۰۵۸۴ را نشان می‌دهد و ارزش احتمال این آزمون ۱/۰ است که نشان از رد نشدن فرضیه صفر آزمون دارد و در نتیجه امکان‌پذیری تلفیق داده‌ها رد نخواهد شد و داده‌ها به لحاظ زمانی تلفیق-پذیر خواهند بود.

1. Panel Data

در زمان توزیع و عرضه محصول به بازار) مهیا گردد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها آزادی اقتصادی است (البته ثبات سیاسی و حاکمیت قانون نیز از عوامل بسیار مهم و اثرگذار بر تولید هستند اما از آن‌جا که داده‌های مربوط به آن در دسترس نبوده است، لذا در این مقاله به آن پرداخته نشده است). از این‌رو در این بخش به توضیح و تبیین محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی و شاخص‌های سنجش مربوط به هر یک که در این مقاله از آن استفاده شده است، پرداخته خواهد شد و همچنین مبانی نظری تأثیر محیط کسب و کار و همچنین آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ارائه خواهد گردید. در پایان این بخش نیز، مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه رابطه محیط کسب و کار و رشد اقتصادی صورت خواهد گرفت.

۲-۱- محیط کسب و کار و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی، هزینه انجام این فعالیت‌ها یا کسب و کارهاست. هزینه‌های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و در نتیجه کاهش رقابت‌پذیری آن‌ها به‌ویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی می‌گردد. در واقع در بعد بین‌المللی، کالاهای صادراتی تنها در صورت پایین بودن هزینه‌های تولید می‌توانند با جایگزین‌های خارجی خود رقابت نمایند (Karimi Takanlu et al., 2013).

در دهه 90 میلادی، اهمیت محیط کسب و کار به‌عنوان حلقه ارتباطی فضای خرد و کلان اقتصادی در ادبیات اقتصادی مطرح شد. آنچه مسلم است اصلاح مقررات کسب و کار و بهبود شاخص‌های مزبور در عرصه جهانی، نه تنها گامی مثبت و اساسی در جهت تقویت جنبه مشارکت بخش خصوصی در عرصه اقتصاد و ارتقاء و تسهیل ورود فناوری به کشور است، بلکه مادامی که فضای کسب و کار بهبود نیابد، بهبود عملکرد بنگاه‌ها و به‌طور کلی، رشد بخش خصوصی امکان‌پذیر نیست. کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و گسترش بخش غیررسمی از پیامدهای محیط نامناسب کسب و کار است. گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، برای دولت به مفهوم کاهش درآمد مالیاتی، برای فعالان اقتصادی غیررسمی به معنی محروم ماندن از منابع تأمین مالی رسمی و برای بنگاه‌های رسمی به مفهوم قرار گرفتن در رقابت ناسالم با فعالان غیررسمی است (Daman Keshideh &

(Khoda Bakhsh Zadeh, 2012).

گروه محیط کسب و کار بانک جهانی^۱ با استناد به ده شاخص کمی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار را از زمان شکل گیری تا انحلال آن در بر می گیرد، در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می کند. بر این اساس شاخص محیط کسب و کار مزبور محاسبه و به صورت مقایسه ای برای همه کشورهای بررسی شده، گزارش می گردد. این زیر شاخص ها عبارت اند از:^۲ ۱- شروع کسب و کار^۳، ۲- اخذ مجوزها^۴، ۳- شاخص استخدام و اخراج نیروی کار^۵، ۴- ثبت مالکیت^۶، ۵- اخذ اعتبار^۷، ۶- حمایت از سرمایه گذاران^۸، ۷- پرداخت مالیات^۹، ۸- تجارت فرامرزی^{۱۰}، ۹- انحلال یک فعالیت^{۱۱}، و ۱۰- الزام آور بودن قراردادها^{۱۲}. (Djankov et al., 2006).

محیط کسب و کار در رونق تولید و رشد اقتصادی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است؛ زیرا اولاً: محیط کسب و کار نامناسب، هزینه های تولید را بالا می برد. در واقع، بنگاه ها با دو نوع هزینه روبه رو هستند، یکی هزینه ای که بنگاه پرداخت می کند و دیگری هزینه ای که محیط به بنگاه تحمیل می کند. مشکل بعدی این است که محیط کسب و کار نامناسب، یا بنگاه ها را بیش از اندازه بزرگ و یا بیش از اندازه کوچک می کند و امکان تعامل بین بنگاه های کوچک و بزرگ را از بین می برد. همچنین، محیط کسب و کار نامناسب، امکان مشارکت های مالی را کاهش می دهد. وقتی سیستم قضایی نامناسب باشد، یا امنیت به درستی تعریف نشده باشد، امکان مشارکت مالی در اقتصاد پایین می آید. مشکل دیگر محیط کسب و کار نامناسب این است که بنگاه های بزرگ و

1. The World Bank Group's Doing Business

۲. توضیحات تکمیلی در مورد این شاخص ها در پیوست (۱) این مقاله بعد از منابع، آورده شده است.

3. Starting a Business
4. Dealing with Construction Permits
5. Getting Electricity
6. Registering Property
7. Getting Credit
8. Protecting Investors
9. Paying Taxes
10. Trading Across Borders
11. Resolving Insolvency
12. Enforcing Contracts

کوچک قادر به ایجاد شبکه نیستند. این در حالی است که در کشورهای با سیستم قضایی و حقوقی یکپارچه و روان، شبکه‌سازی بسیار آسان است. امروزه این شبکه‌ها هستند که با یکدیگر در رقابت هستند، یعنی یک بنگاه منفرد نیست. شعار نوین «یا شبکه‌ای تولید کن یا تولید نکن» به دلیل اهمیت تولید شبکه‌ای در ایجاد بهره‌وری و قدرت رقابت‌پذیری است. نتیجه دیگر محیط نامناسب کسب و کار، حرکت بنگاه‌ها به سمت اقتصاد غیررسمی است. تولیدکننده از پرداخت مالیات فرار می‌کند، اما در آن نمی‌تواند وام بگیرد و رشد نماید، یعنی اقتصاد غیررسمی، مؤید کوچک ماندن بنگاه‌ها است؛ بنابراین، یکی از الزامات و پیش‌نیازهای رشد اقتصادی، آسان‌سازی محیط کسب و کار است. زمانی که مقررات کسب و کار بنگاه‌ها پرهزینه و دردسرساز باشد، بنگاه‌ها به فعالیت در بخش غیررسمی متمایل می‌شوند و از آن‌جا که امکان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ و گسترش فعالیت‌های بنگاه‌ها در بخش غیررسمی میسر نیست، مقیاس این بنگاه‌ها کوچک مانده و به شرایط صرفه‌های ناشی از مقیاس نمی‌رسند و در نتیجه، رشد اقتصادی و اشتغال کم‌تری ایجاد می‌شود. اصلاح و بهبود محیط کسب و کار، می‌تواند سبب کاهش هزینه و ریسک راه‌اندازی کسب و کار جدید شده و فضای انتقال بنگاه از بخش غیررسمی به بخش رسمی و رشد و گسترش آن‌ها ایجاد شود (Shahnazi & Dehghani Shabani, 2011). از این‌رو از لحاظ نظری، انتظار می‌رود سهولت کسب و کار که در این مقاله به‌عنوان جایگزینی برای محیط کسب و کار در نظر گرفته شده است، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۲-۲- آزادی اقتصادی و تأثیر آن بر رشد اقتصادی

محیطی که با سرعت بخشیدن به کسب و کار و جذب سرمایه‌گذاری، زمینه تحریک رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد، محیط نهادی امن و آزاد برای بنگاه‌های تولیدی شمرده می‌شود و ایجاد آن برای بهبود محیط کسب و کار الزامی است؛ زیرا آزادی فعالیت اقتصادی و امنیت کسب و کار در ایجاد ساختار انگیزشی مناسب برای ارتقاء عملکرد اقتصادی بنگاه‌های تولیدی حائز اهمیت است (Tayebi, 2013).

مفهوم آزادی اقتصادی از قرن‌ها پیش مورد مباحثه قرار گرفته است؛ اما از قرن هیجدهم به بعد و ظهور عرصه‌های نوین اقتصادی، این بحث تشدید شده است. توجه به تعاریف و تفاسیر فراوانی که از آزادی وجود دارد، نشان می‌دهد آزادی به معنای وسیع آن مقوله‌ای است که دارای

مفاهیمی چندان روشن و شفاف نیست، اما آزادی اقتصادی تعریف نسبتاً دقیق و روشن دارد. آزادی اقتصادی به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی-های شخصی شان که از طریق قانونی به دست آورده‌اند، است (Shahnazi, 2006).

بنیاد هریتیج آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که بر طبق آن افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات پردازند. به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج از آنجایی که آزادی به‌عنوان «نبود الزام، فشار یا محدودیت در انتخاب عمل» است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات است، از این رو می‌توان آزادی اقتصادی را به‌صورت «نبود تحمیل یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات» تعبیر کرد (Johnson et al., 1992). شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج^۱، اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. هدف از معرفی آن، بسط یک شاخص برای اندازه‌گیری تجربی سطح آزادی اقتصادی در کشورهای جهان بوده است. بدین منظور مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی در نظر گرفته شده و از سال ۱۹۹۴ این معیار برای درجه‌بندی کشورهای مختلف در انتشار سالانه شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. تهیه‌کنندگان این شاخص معتقدند این شاخص تنها فهرست تجربی امتیازات نبوده، بلکه تحلیلی دقیق از عواملی است که بیشترین نقش را در نهادینه کردن رشد اقتصادی دارند و بسیاری از نظریه‌های موجود درباره ریشه‌ها و عوامل توسعه اقتصادی در نتایج مطالعه لحاظ شده‌اند (Naji Meydani, 2003). شاخص آزادی بنیاد هریتیج، شامل ۱۰ بخش خاص می‌شود و مقدار آن از میانگین ساده این ۱۰ بخش به دست می‌آید. این بخش‌ها عبارت‌اند از: ۱- آزادی کسب و کار^۲، ۲- آزادی تجارت خارجی^۳، ۳- آزادی پولی^۴، ۴- مخارج دولتی^۵، دولتی^۶، ۵- آزادی فیزیکی^۷، ۶- حقوق مالکیت^۸، ۷- آزادی سرمایه‌گذاری^۹، ۸- آزادی مالی^{۱۰}،

1. The Heritage Foundation Index of Economic Freedom

۲. توضیحات تکمیلی در مورد این بخش‌ها در پیوست (۲) این مقاله بعد از منابع، آورده شده است.

3. business freedom
4. trade freedom
5. monetary freedom
6. government spending
7. fiscal freedom
8. property rights
9. investment freedom

مالی^۱، ۹- آزادی از فساد^۲، و ۱۰- آزادی نیروی کار^۳. در محاسبه شاخص آزادی اقتصادی، همه همه این بخش‌ها دارای وزن یکسانی هستند. هر یک از این ۱۰ شاخص در مقیاس صفر تا ۱۰۰ درجه‌بندی می‌شوند. عدد ۱۰۰ نشان دهنده بیشترین میزان آزادی در هر بخش و عدد صفر نشان دهنده نبود آزادی در هر بخش است. عدد ۱۰۰ به معنی وجود یک محیط اقتصادی مناسب یا مجموعه‌ای از سیاست‌های سازگار با آزادی اقتصادی است. در تقسیم‌بندی بر اساس امتیاز کسب شده، از دیدگاه بنیاد هریتیج، کشورها به چهار گروه (۱) آزاد؛ (۲) عمدتاً آزاد؛ (۳) تقریباً آزاد؛ (۴) عمدتاً بسته؛ و (۵) سرکوب شده (واپس زده)، تقسیم می‌شوند که کشورهای با اقتصاد آزاد دارای محدوده امتیازی ۸۰ تا ۱۰۰، عمدتاً آزاد با محدوده امتیازی ۷۰ تا ۷۹/۹، کشورهای با اقتصاد تقریباً آزاد دارای محدوده امتیازی ۶۰ تا ۶۹/۹، کشورهای با اقتصاد عمدتاً بسته با محدوده امتیازی ۵۰ تا ۵۹/۹ و کشورهای با اقتصاد سرکوب شده (واپس زده) دارای محدوده امتیازی ۰ تا ۴۹/۹ هستند که بر اساس این تقسیم‌بندی، ایران در گروه کشورهای با اقتصاد سرکوب شده قرار می‌گیرد (The Heritage Foundation, 2014).

آزادی اقتصادی، تأثیرات شگرفی روی رشد اقتصادی و درآمد سرانه کشورها دارد؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد راز پیشرفت‌های عظیمی که جهان در دو قرن اخیر شاهد آن بوده، آزادی اقتصادی و اجزاء مرتبط به آن مانند آزادی تجارت است. آنیشامادان^۴ چهار دلیل را برای آن که آزادی اقتصادی بالا منجر به رشد بیشتر می‌شود، ذکر می‌کند: نخست این که وجود امنیت برای حقوق مالکیت و همچنین پایین بودن مالیات‌ها سبب می‌شود افراد به کارهایی اقدام نمایند که کاراتر باشد؛ از این رو، افزایش کارایی، خود منجر به رشد بیشتر خواهد شد. دوم این که آزادی بیشتر در مبادلات موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد؛ از این رو، توسعه فنون و بازده اقتصادی منجر به افزایش رشد خواهد شد. سوم این که آزادی ورود و رقابت در بازارها منجر به افزایش کارایی و سود بیشتر می‌گردد و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد؛ و چهارم، هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد

1. financial freedom
2. freedom from corruption
3. labor freedom
4. Anisha Madan.

تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌گردد؛ لذا فرصت‌هایی که قبلاً مورد چشم پوشی واقع می‌شدند، به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شوند (Shahnazi, 2006). لذا از لحاظ نظری، انتظار می‌رود آزادی اقتصادی بیشتر منجر به رشد اقتصادی بیشتر گردد، به عبارت دیگر، انتظار می‌رود آزادی اقتصادی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۲-۳- مروری بر مطالعات انجام شده

Djankov et al (2006)، در مقاله‌ای به بررسی رابطه مقررات کسب و کار و رشد اقتصادی در ۱۳۵ کشور طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ پرداخته‌اند. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که کشورهای با مقررات بهتر از رشد سریع‌تری برخوردارند؛ همچنین، بهبود از بدترین چارک از مقررات کسب و کار به بهترین، به معنی ۲/۳ افزایش درصد در رشد سالیانه است.

Gillanders & Whelan (2010)، در مقاله خود بیان می‌نمایند که ادبیات رشد و توسعه در سال‌های اخیر تمرکز عمده‌ای بر این عقیده داشته که نهادهای قانونی و سیاسی، عامل اصلی توسعه اقتصادی هستند. درحالی که یافته اصلی مقاله آن‌ها این است که تمرکز بر اولویت نهادهای قانونی و سیاسی ممکن است نابجا باشد و کسب و کارهای با ارتباط بسیار نزدیک با سیاست‌های اقتصادی (که در این مقاله به جای آن از شاخص محیط کسب و کار بانک جهانی استفاده شده است)، عامل اصلی تعیین سطح درآمد سرانه است. آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که رتبه فضای کسب و کار یک کشور، طیف وسیعی از معیارهای کیفیت نهادی قانونی و سیاسی را به‌عنوان یک متغیر توضیحی برای درآمد سرانه در بر دارد. همچنین، رتبه فضای کسب و کار، یک متغیر توضیحی کلیدی (اصولی) برای رشد اقتصادی است.

Colin Xu & Lixin (2011)، در مقاله‌ای با عنوان اثرات محیط کسب و کار بر توسعه، به دنبال بررسی شواهدی در زمینه چگونگی اثرگذاری محیط کسب و کار بر توسعه اقتصادی بوده‌اند؛ از این رو، بر پژوهش‌هایی در سطح بنگاه که مربوط به جو سرمایه‌گذاری بانک جهانی می‌شود،

تمرکز می نمایند. لذا این امر به طور خودکار، باعث حذف و کنار گذاشتن بررسی های مکمل محیط کسب و کار می شود. سود این حذف این است که نویسندگان مقاله می توانند با نادیده گرفتن مسائل جدید مربوط به مقررات و نهادهای قانونی^۱ (در زمینه بررسی محیط کسب و کار)، به طور انحصاری روی مقررات و نهادهای غیر رسمی^۲ (در زمینه مطالعه جو سرمایه گذاری) تمرکز نمایند. آن ها به این یافته های مهم دست یافته اند که اثر محیط های کسب و کار ناهمگن هستند و بستگی زیادی به صنعت، شرایط اولیه و نهادهای مکمل دارند. همچنین بیان می کنند که برخی از عناصر محیط کسب و کار، از قبیل انعطاف پذیری نیروی کار، موانع اندک ورود و خروج و حمایت معقول و منطقی از به کارگیری امور توسط دولت، به نظر می رسد تا حد زیادی برای اکثر اقتصادها مهم باشند. همچنین، عناصر دیگر مانند دادگاه ها و دسترسی به منابع مالی، به وضعیت اولیه خود و به اندازه بازار وابسته هستند.

Haidar (2012) در مقاله ای به بررسی تأثیر اصلاحات در مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی در بین ۱۷۲ کشور، طی سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ با روش اثرات ثابت مقطعی پرداخته است. لذا برای این کار از میانگین داده ها استفاده نموده است، چراکه آمار مربوط برای همه کشورها در همه سال های مورد بررسی وجود نداشته است. برآوردهای این مقاله نشان می دهد که به طور متوسط، هر اصلاح در مقررات کسب و کار، باعث افزایش ۱/۵ درصدی نرخ رشد تولید ناخالص داخلی (GDP) می شود.

Shahnazi & Dehghani Shabani (2011) در مقاله ای به بررسی تأثیر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب پرداخته اند. شاخص فضای کسب و کار مورد استفاده در پژوهش آن ها، شاخص فضای کسب و کار بانک جهانی است که در چارچوب یک مدل رشد درونزا، تأثیر اجزای این شاخص بر رشد اقتصادی در ۶۸ کشور منتخب طی سال های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ به روش داده های تابلویی برآورد شده است. نتایج تحقیق آن ها نشان می دهد که ضعف در هفت زیر بخش تعطیل کردن کسب و کار، ثبت اموال، پرداخت مالیات، شاخص تجارت خارجی، اجرای قراردادهای، استخدام و اخراج کارگران و راه اندازی کسب و کار جدید، اثر منفی و منطبق با تئوری

-
1. de jure
 2. de facto

بر رشد اقتصادی در نمونه مورد آزمون داشته است. همچنین آن‌ها بر اساس برآوردهای مقاله خود، نتیجه می‌گیرند ضریب سه شاخص شرایط و مقررات کسب مجوز، دریافت اعتبار و حمایت از سرمایه‌گذاران در محدوده مکانی و زمانی مورد آزمون، بر خلاف انتظارات تئوریک بوده است.

Hosseinzade Bahreini et al (2012) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی به این مطلب اشاره می‌کنند که امروزه بنگاه‌های اقتصادی در راه‌اندازی، به کارگیری عوامل تولید و دیگر مراحل یک کسب و کار با قوانین و مقررات زیادی مواجه‌اند. به نظر آن‌ها، مقررات دست‌وپا گیر اداری در محیط کسب و کار، یکی از موانع مهم تولید و سرمایه‌گذاری محسوب می‌شود. آن‌ها معتقدند که در کشورهای مختلف جهان، بهبود محیط کسب و کار و رفع موانع بخش خصوصی، به‌عنوان یک راهبرد اقتصادی شناخته شده است. نویسندگان با توجه به اهمیت موضوع، جهت بررسی تأثیر قوانین و مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی، شاخصی را با عنوان «سختی مقررات کسب و کار» با استفاده از داده‌های بانک جهانی ساخته‌اند. نتایج حاصل از برآورد الگو به روش داده‌های تابلویی برای نمونه ۶۲ کشور طی سال‌های ۲۰۰۳-۲۰۰۶ نشان می‌دهد که مقررات سخت و پیچیده کسب و کار بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب تأثیر منفی می‌گذارد.

Daman Keshideh & Khoda Bakhsh Zadeh (2012)، در مقاله‌ای به بررسی تأثیر مقررات کسب و کار و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی در کشورهای G77 (شامل ۱۹ کشور منتخب)، طی سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ پرداخته‌اند. مطالعه آن‌ها با استفاده از روش پانل دیتا صورت گرفته است. نتایج به‌دست آمده در مقاله آن‌ها نشان می‌دهد که میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای G77 با دو دوره تأخیر بر رشد اقتصادی، تأثیری مثبت و معناداری دارد. همچنین حاکمیت قوانین با یک دوره تأخیر، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد.

Abdollahi et al (2013)، در مقاله‌ای به بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD) طی سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۱۱ پرداخته‌اند. آن‌ها در مقاله خود، به دنبال بررسی وضعیت فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بررسی اثر شاخص‌های فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران و کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی بوده‌اند. پژوهش آن‌ها بر اساس روش تحلیلی با استفاده از تکنیک‌های اقتصادسنجی و

اطلاعات آماری بانک جهانی و سایت محیط کسب و کار است. نتایج پژوهش حاکی از اثرگذاری بیشتر شاخص‌های حمایت از سهامداران خرد، اخذ اعتبار و اجرای قراردادهای بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی است که توجه به این شاخص‌ها و بهبود آن‌ها می‌تواند تأثیر بسزایی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد بررسی به همراه داشته باشد.

لازم به ذکر است که در مطالعات گذشته، تأثیر محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی هر کدام به‌طور جداگانه بر رشد اقتصادی بررسی شده بود، اما در این مقاله برای نخستین بار تأثیر هر دو در یک الگو بر رشد اقتصادی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، با این استدلال که محیط کسب و کار، شرایط قبل از شروع تولید را فراهم می‌نماید و آزادی اقتصادی، شرایط بعد از شروع تولید تا مرحله عرضه و فروش محصول را مهیا می‌سازد؛ یعنی یک تولیدکننده، قبل از این که به سرمایه‌گذاری در تولید اقدام نماید، بررسی می‌کند که آیا شرایط برای تولید، فروش در بازارهای داخلی و صادرات فراهم است یا خیر. لذا از لحاظ نظری، هر دوی این متغیرها برای رسیدن به تولید و رشد اقتصادی، مهم هستند. همچنین در این مقاله، از رتبه کشورهای در زمینه سهولت کسب و کار که توسط بانک جهانی ارائه شده است، به‌عنوان متغیر جایگزین محیط کسب و کار استفاده خواهد شد.

۳- روش پژوهش

۳-۱- الگوی پژوهش

در ارتباط با رشد اقتصادی، الگوهای مختلفی مورد توجه قرار گرفته است. این الگوها در قالب الگوهای رشد درون‌زا و برون‌زا (نئوکلاسیک) طبقه‌بندی می‌شوند. در الگوهای نئوکلاسیک، تابع تولید به صورت معادله زیر در نظر گرفته می‌شود. در این تابع، L موجودی نیروی کار، K موجودی سرمایه، A بهره‌وری کل عوامل تولید و Y معیاری از تولید است.

$$Y = A \cdot f(L, K) \quad (1)$$

علاوه بر این، در این الگوها فرضی در نظر گرفته می‌شود. بدین ترتیب که تابع تولید از بازدهی ثابت نسبت به مقیاس برخوردار است و موجودی سرمایه با بازدهی نزولی مواجه است و از این رو نمی‌تواند منجر به رشد اقتصادی بلندمدت شود و با توجه به آن که نیروی کار نیز نمی‌تواند نقش مسلط و بلندمدتی در رشد اقتصادی داشته باشد. تأکید این الگوها بر اثرگذاری بهره‌وری کل

عوامل (رشد تکنولوژی) بر رشد اقتصادی است و تداوم رشد اقتصادی بلندمدت در اثر تغییرات این متغیر است. نتایج مقاله Solow (1957) نیز تأییدکننده این مدعاست. وی در این مقاله مشهور خود با در نظر گرفتن تابع تولید کاب-داگلاس به این نتیجه رسید که تغییرات تکنولوژی و بهره‌وری، مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده رشد اقتصادی است (Solow, 1957)؛ بنابراین، در الگوهای رشد نئو کلاسیک، رشد اقتصادی وابسته به رشد تکنولوژی است. با این وجود، بر اساس مطالعات انجام شده، این الگوها، توانایی توضیح رشد بلندمدت اقتصادی را ندارند؛ زیرا در این الگوها، نمی‌توان کاهش رشد اقتصادی را به کاهش شوک تکنولوژی یا شوک بد و نامناسب تکنولوژیکی نسبت داد. همچنین، در بیش‌تر مواقع، فروض الگوهای رشد نئو کلاسیکی از جمله بازدهی ثابت نسبت به مقیاس تابع تولید برقرار نیست. از این رو، الگوهای رشد درون‌زا یا الگوهای جدید رشد به منظور پدید آوردن مکانیزمی درون‌زا، جهت توضیح رشد بلندمدت به وجود آمدند. در این الگوها، سعی بر آن است که با ورود متغیرهای دیگر در الگوهای رشد تا حد زیادی سهم بهره‌وری کل عوامل در تفسیر رشد اقتصادی بلندمدت کاهش یابد و همچنین با تغییر دادن فروض الگو رشد نئو کلاسیکی، فرضیات مناسب‌تر جهت تعیین الگوهای رشد در نظر گرفته شود. در الگوهای جدید، تأکید زیادی بر بازدهی فزاینده تابع تولید نسبت به مقیاس صورت می‌پذیرد. همچنین، موجودی سرمایه از بازدهی ثابت یا فزاینده برخوردار است؛ زیرا برخلاف الگوی نئو کلاسیک که سرمایه‌گذاری به صورت درونی به عوامل اقتصادی تعلق می‌گیرد و از بازدهی کاهنده برخوردار است. در الگوهای رشد درون‌زا، منافع سرمایه‌گذاری می‌تواند به صورت اثر خارجی به سایر بخش‌ها سرایت نماید و بدین ترتیب، موجودی سرمایه از بازدهی ثابت یا فزاینده برخوردار است و این امکان برقرار می‌گردد که افزایش موجودی سرمایه، رشد اقتصادی بلندمدت را تداوم بخشد (Mahdavi, 2004).

علاوه بر اصلاح فروض الگوی رشد نئو کلاسیکی و اعمال تغییراتی در متغیرهای الگوی رشد برون‌زا، متغیرهای جدیدی نیز در توضیح رشد اقتصادی بلندمدت مورد توجه مدل‌های جدید قرار گرفته‌اند. از جمله مقاله‌ای که در زمینه الگوهای رشد درون‌زا انجام شده است، مقاله‌ای است که Haidar (2012) با عنوان «تأثیر اصلاح مقررات کسب و کار بر رشد اقتصادی» نوشته است. در

الگویی که وی در مقاله خود از آن استفاده نموده است و در این مقاله نیز با تغییراتی از آن استفاده خواهد شد، رشد اقتصادی تابعی از اصلاحات مقررات کسب و کار^۱، سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP)، رشد تشکیل سرمایه ثابت، جمعیت، تجارت (یا همان درجه باز بودن اقتصاد که به صورت سهم صادرات و واردات نسبت به تولید ناخالص داخلی که به صورت درصدی لحاظ شده است)، مخارج دولت^۲، آزادی مالی^۳، ثبات سیاسی^۴، حاکمیت قانون^۵ و کنترل فساد^۶ در نظر گرفته شده است.

سه متغیر مخارج دولت، آزادی مالی و کنترل فساد^۷ زیر شاخه های آزادی اقتصادی ای هستند که بنیاد هریتیج، داده های مربوط به آن ها را سالانه منتشر می نماید. در این مقاله به جای این سه متغیر از داده های مربوط به امتیاز کل آزادی اقتصادی منتشره از سوی همین بنیاد استفاده خواهد شد و همچنین متغیرهای سیاسی (شامل ثبات سیاسی و حاکمیت قانون) به دلیل محدودیت در دسترسی به اطلاعات و داده ها، در این مقاله لحاظ نشده است. از این رو الگویی که در این مقاله استفاده خواهد شد، به صورت زیر است:

$$rGDP_{it} = \alpha + \beta_1 DB_{it} + \beta_2 EF_{it} + \beta_3 T_{it} + \beta_4 Pop_{it} + \beta_5 GFC_{it} + \beta_6 FDI_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۲)$$

که در آن:

$rGDP_{it}$: رشد تولید ناخالص داخلی کشور i در سال t است که در این مقاله از آن به عنوان معیاری برای رشد اقتصادی در نظر گرفته شده است و به صورت درصد سالیانه می باشد.

DB_{it} : آسانی کسب و کار کشور i در سال t است که به صورت رتبه ای است.

EF_{it} : امتیاز کل برای آزادی اقتصادی کشور i در سال t است که بنیاد هریتیج ارائه می دهد و بین ۰ تا ۱۰۰ است.

T_{it} : باز بودن تجاری به عنوان معیاری برای تجارت است که از تقسیم مجموع صادرات و

1. Regulatory reforms
2. Government spending
3. Financial freedom
4. Political stability
5. Rule of law
6. Control of corruption

۷. البته در زیر شاخص های آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آزادی از فساد نام برده شده است.

واردات کشور i در سال t بر تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور i در سال t به دست آمده و به صورت درصد سالیانه در نظر گرفته شده است. البته در مطالعات اقتصادی از آن به عنوان درجه باز بودن اقتصاد نیز یاد شده است.

Pop_{it} : رشد جمعیت کشور i در سال t که به صورت درصد سالیانه است.

$GFCI_{it}$: تشکیل سرمایه ناخالص داخلی کشور i در سال t است که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور i در سال t در نظر گرفته شده است.

FDI_{it} : سرمایه گذاری مستقیم خارجی وارد شده به کشور i در سال t است که به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی (GDP) کشور i در سال t در نظر گرفته شده است.

۲-۳- تبیین الگوی پژوهش (دلایل به کارگیری سایر متغیرهای توضیحی)

۱-۲-۳- باز بودن تجاری

به همان دلایل موجود برای مبادله در داخل مرزهای کشور، اشخاص باید مطابق با شاخص آزادی اقتصادی برای مبادله کالاهایشان در خارج از کشور آزاد باشند. مشهودترین مزیت حاصل از تجارت بین المللی قانونی بر روی توسعه اقتصادی، عبارت است از ایجاد بازار بزرگ تر و ایجاد و افزایش ارزش برای هر دو طرف تجاری در صورتی که آنها مطابق با منافع نسبی تولید کنند. به علاوه تعامل با خارجی ها و محصولات آنها باعث افزایش سرعت انتشار تکنولوژی خواهد شد و این امر همراه با رقابت بین المللی، باعث افزایش بهره وری شرکت های داخلی می شود (Bigsten et al., 2000).

وان دنبرگ معتقد است اقتصاددانان در حمایت از تجارت آزاد توافق نسبتاً کاملی دارد و حدود ۹۰ درصد، طرفدار تجارت آزاد بین المللی هستند و فقط ۱۰٪ موافق تجارت بین المللی محدود شده اند (Van Den Berg, 2012). به طور کلی، نظریه های محض تجارت بین الملل حاکی از آن است که تجارت آزاد جهانی به طور کامل و وجود درجه باز بودن اقتصادی، منجر به افزایش سطح تولید و درآمد و روابط مالی و تجاری می شود. همچنین تجارت آزاد هر کشور را قادر می سازد که تولید و مصرف بیشتری داشته باشد. بر این اساس معتقدین به تجارت کاملاً آزاد از جمله Edwards (1992) و Barro et al (1995)، با اتخاذ هر گونه سیاست بازرگانی که طبیعتاً به تأثیر در روند تجارت خارجی منجر می شود مخالفت دارند، زیرا آنها معتقدند در این حالت

مزیت نسبی کشورها در کالاهای مختلف به طور طبیعی مشخص شده و بر این اساس تجارت بین آنان صورت می‌گیرد و این پر منفعت‌ترین شیوه است (Tayebi et al., 2012).

نظریه‌های جدید و الگوهای رشد درون‌زا نشان می‌دهند که تجارت بین‌الملل (باز بودن اقتصاد) نرخ رشد اقتصادی را از طریق دسترسی به بازارهای خارجی، تکنولوژی و منابع تحت تأثیر قرار می‌دهد (Farhadi, 2004). علاوه بر این، تجارت باعث می‌شود که کشورهای در حال توسعه به کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای که برای فرآیند توسعه حیاتی و اساسی هستند، دسترسی پیدا کنند. نظریات اقتصادی و تجربیات کاربردی حاکی از آن است که بازار آزاد و آزاد سازی تجارت - از بین بردن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت - راهی اثبات شده برای رسیدن به تولید و توسعه است. امکان وجود یک رابطه مثبت بین سیاست باز بودن تجاری و رشد، یک عامل مهم در تحریک موج بی سابقه اصلاحات تجاری در بسیاری از کشورها بوده است. مبنای عقلایی و منطقی برای به اجرا درآوردن برنامه‌های اصلاحات تجاری، این اعتقاد است که آزادسازی، پیش‌نیاز انتقال از یک اقتصاد نسبتاً بسته به یک اقتصاد نسبتاً باز است؛ بنابراین باز بودن تجاری پیش‌نیاز رشد خواهد بود (Hozarmoghadam & Abdoli, 2013). از این رو، از لحاظ نظری، انتظار می‌رود باز بودن تجاری، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۳-۲-۲- جمعیت

الگوی رشد Solow (1956)^۱ و مطالعه تجربی Mankiw et al (1992) که بر اساس الگوی رشد سولو انجام گرفته است، نشان می‌دهد جمعیت یکی از عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی در بلندمدت است. از این رو در این مقاله، بر اساس مدل رشد سولو (۱۹۵۶) از داده‌های رشد جمعیت استفاده خواهد شد.

اهمیت رابطه بین رشد جمعیت و رشد اقتصادی توسط بسیاری از اقتصاددانان توسعه تأکید شده است. البته هنوز هیچ توافق مبنی بر این که آیا رشد جمعیت تأثیر مثبتی بر روی اقتصاد دارد

۱. در الگوی رشد سولو (۱۹۵۶)، عواملی چون رشد جمعیت، سرمایه‌گذاری خصوصی، پیشرفت برونزای تکنولوژی و سطح اولیه درآمد سرانه از متغیرهای مؤثر بر رشد اقتصادی برشمرده شده است (Jalal Abadi & Bahrami, 2010). برای مطالعه بیشتر به مقاله Solow (1956) مراجعه شود.

یا اینکه برای رشد اقتصادی زیان آور است، وجود ندارد. موضوع ارتباط بین رشد اقتصادی و جمعیت موضوع پیچیده‌ای است که در نتایج برخی مطالعات گذشته، تشخیص علت و معلول آن تأثیرشان بر هم مبهم است. در کشورهای در حال توسعه ارتباط بین جمعیت و عملکرد اقتصادی می‌تواند مثبت فرض شود؛ زیرا توسعه اقتصادی، میزان رقابت در فعالیت‌های تجاری و پتانسیل بازار را افزایش داده و توسعه بازار باعث تشویق و ترغیب کارآفرینی و تأسیس کسب و کار جدید می‌شود. برعکس، ارتباط بین رشد جمعیت و عملکرد اقتصادی یک کشور ممکن است منفی باشد؛ زیرا رشد جمعیت می‌تواند به عنوان مانعی برای توسعه اقتصادی کشور لحاظ شود به دلیل آن که افزایش جمعیت باعث ازدیاد وابستگی (افزایش تعدادی از جمعیت که مولد اقتصادی در نظر گرفته نمی‌شوند، مانند: پیران و کودکان) می‌شود (Mehrbadian & Sedghi Sigarchi, 2010). از این رو از لحاظ نظری نمی‌توان به طور دقیق گفت که رشد جمعیت تأثیر مثبتی بر روی رشد اقتصادی دارد یا خیر؛ به عبارت دیگر، از لحاظ نظری مثبت یا منفی بودن تأثیر رشد جمعیت بر رشد اقتصادی نامشخص است.

۳-۲-۳- تشکیل سرمایه ناخالص داخلی

طبق نظریه‌های رشد، تشکیل سرمایه سالانه، یکی از عوامل اصلی جهت ارتقای سطح تولید است. همان طور که توضیح داده شد، به عنوان نمونه بر اساس الگوی رشد نئوکلاسیکی که نخستین بار توسط سولو (۱۹۵۷) مطرح شد، Y (تولید) تابعی از A (معرف دانش فنی یا کارایی نیروی کار)، K (سرمایه فیزیکی) و L (نیروی کار) است! لذا از لحاظ نظری، انتظار می‌رود تشکیل سرمایه ناخالص داخلی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۳-۲-۴- سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI)

جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با دو ویژگی برخورداری از تکنولوژی و سیستم‌های روز هر صنعت و تأمین منابع مالی به صورت سرمایه و حتی استقراض از صاحب سرمایه و تأثیر آن

۱. برای مطالعه بیشتر در زمینه الگوهای مختلف رشد اقتصادی به مقاله Pourmiri (2012) مراجعه شود.

بر توسعه اقتصادی، رشد اقتصادی و توسعه کسب و کار و اشتغال کشور از اهمیت خاصی برخوردار است (Fat-hi, 2013).

سرمایه گذاری مستقیم خارجی، رشد اقتصادی را از طریق انباشت سرمایه و نیز سرریزهای دانش بهبود می بخشد (Pourshahabi et al., 2011). علاوه بر این، FDI معمولاً به همراه تکنولوژی پیشرفته، سازماندهی و مدیریت برتر وارد کشور می شود، بنابراین FDI می تواند به عنوان موتور رشد در کشورهای کمتر توسعه یافته مورد استفاده قرار گیرد. Borensztein, Gregorio & De Lee (1998) نیز در مطالعه خود به این مطلب اشاره نموده اند. آن‌ها بر این عقیده اند که آثار سودمند FDI بر رشد اقتصادی توسط کارایی بالاتری که این نوع سرمایه گذاری به دلیل تکنولوژی پیشرفته دارد حاصل می شود، نه صرفاً از طریق انباشت بیشتر سرمایه. همچنین Rana, Dowling & Malcolm (1988) نیز معتقدند که اثر مثبت FDI بر رشد اقتصادی به دلیل افزایش کارایی سرمایه در اثر انتقال تکنولوژی مناسب و پیشرفته حاصل می شود (Tayebi et al., 2013). لذا از لحاظ نظری، انتظار می رود سرمایه گذاری مستقیم خارجی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد.

۳-۳- داده‌های پژوهش

در این مقاله، ۳۰ کشور انتخاب شده اند که بر اساس گزارش جهانی آزادی اقتصادی که بنیاد هریتیج در سال ۲۰۱۴ ارائه داده است، در بین این کشورها، ۱۵ کشور دارای بالاترین امتیاز آزادی اقتصادی و ۱۵ کشور دارای پایین ترین امتیاز آزادی اقتصادی بوده اند. البته لازم به ذکر است در بین ۱۵ کشور با آزادی اقتصادی پایین، کشورهایی وجود دارند که آزادی اقتصادی پایین تری نسبت به کشورهای منتخب در این مقاله داشته باشند، اما از آنجا که داده‌های مربوط به سهولت کسب و کار آن‌ها در دسترس نبوده است، لذا از انتخاب آن‌ها صرف نظر شده است. جدول (۱) کشورهای منتخب مقاله و همچنین وضعیت آزادی اقتصادی آن‌ها را در سال ۲۰۱۳ نشان می دهد. در این جا، رتبه کشورها از نظر سهولت کسب و کار، بر اساس گزارش‌های جهانی کسب و کار استخراج شده است. البته رتبه بندی کشورها از نظر سهولت کسب و کار، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۶ ارائه شده است که آمارهای آن مربوط به سال ۲۰۰۵ است، لذا آمارهای مربوط به سهولت کسب و کار از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۳ در دسترس است.

جدول (۱): وضعیت آزادی اقتصادی کشورهای منتخب این پژوهش در سال ۲۰۱۳

رتبه کشور از نظر آزادی اقتصادی در سطح جهان	امتیاز آزادی اقتصادی	کشور	رتبه کشور از نظر آزادی اقتصادی در سطح جهان	امتیاز آزادی اقتصادی	کشور
۱۵۸	۸۴/۴	بولیوی	۱	۹۰/۱	هنگ‌کنگ
۱۵۹	۴۸/۰	اکوادور	۲	۸۹/۴	سنگاپور
۱۶۰	۴۷/۷	آنگولا	۳	۸۲/۰	استرالیا
۱۶۱	۴۶/۷	آفریقای مرکزی	۴	۸۱/۶	سوئیس
۱۶۳	۴۶/۵	ازبکستان	۵	۸۱/۲	نیوزلند
۱۶۴	۴۶/۳	کریباتی	۶	۸۰/۲	کانادا
۱۶۵	۴۶/۲	جزایر سلیمان	۷	۷۸/۷	شیلی
۱۶۶	۴۴/۶	آرژانتین	۸	۷۶/۵	موریتانی
۱۶۷	۴۴/۵	چاد	۹	۷۶/۲	ایرلند
۱۶۸	۴۴/۴	گینه استوایی	۱۰	۷۶/۱	دانمارک
۱۷۰	۴۳/۲	تیمور شرقی	۱۱	۷۵/۹	استونی
۱۷۳	۴۰/۳	ایران	۱۲	۷۵/۵	ایالات متحده
۱۷۴	۳۸/۵	اریتره	۱۳	۷۵/۱	بحرین
۱۷۵	۳۶/۳	ونزوئلا	۱۴	۷۴/۹	انگلستان
۱۷۶	۳۵/۵	زیمبابوه	۱۵	۷۴/۲	هلند

منبع: گزارش آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج (۲۰۱۴)

داده‌های مربوط به آزادی اقتصادی از سایت بنیاد هریتیج استخراج شده است. بنیاد هریتیج هر سال برای کشورهای جهان، نمره‌ای را برای آزادی اقتصادی آن‌ها از صفر تا ۱۰۰ تعیین می‌کند. همچنین این بنیاد برای آزادی اقتصادی، ۱۰ زیر شاخص معرفی نموده است که شامل حقوق مالکیت، آزادی از فساد، آزادی فیزیکی، مخارج دولتی، آزادی کسب‌وکار، آزادی نیروی کار، آزادی پولی، آزادی تجاری، آزادی سرمایه‌گذاری و آزادی مالی می‌شود. این بنیاد بر اساس هر یک از زیر شاخص‌ها نیز سالیانه کشورهای را رتبه‌بندی می‌کند. لازم به ذکر است که در این مقاله، فقط از داده‌های مربوط به امتیاز کل آزادی اقتصادی‌ای که بنیاد هریتیج ارائه داده است، استفاده

خواهد شد. داده‌های مربوط به آزادی اقتصادی کشورهای منتخب از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ در دسترس است.

داده‌های مربوط به سایر متغیرهای الگو (شامل باز بودن تجاری، رشد جمعیت، تشکیل سرمایه ناخالص و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) از سایت بانک جهانی گرفته شده است و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ در دسترس است. لذا سال‌های مورد بررسی در این مقاله، یک دوره ۱۰ ساله از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ تعیین شد.

۳-۴- روش برآورد

روش مورد استفاده در این مقاله، روش داده‌های تابلویی^۱ است. این روش مزایایی دارد، از جمله این که سری‌های زمانی و داده‌های مقطعی که ناهمگنی‌ها را لحاظ نمی‌کنند، با ریسک دستیابی به نتایج تورش‌دار روبه‌رو هستند. Baltagi (1995) در تحقیقی به این نتیجه رسید که روش داده‌های تابلویی قادر است متغیرهای پایا نسبت به مکان و زمان را لحاظ کند؛ در حالی که سری‌های زمانی و مطالعات مقطعی این قدرت را نداشتند. بنابراین یک امتیاز روش داده‌های تابلویی این است که برآوردهای ناریب و سازگار می‌دهد. همچنین این روش، اطلاعات بیشتر، تغییرپذیری بیشتر، هم‌خطی کمتر، درجه آزادی بیشتر و کارایی بیشتر را ارائه می‌کند و بهتر می‌تواند پویایی‌های تعدیل (تطبیق یا اصطلاح) را نشان دهد. توزیع‌های مقطعی که نسبتاً ثابت به نظر می‌آیند، تغییرات چند جانبه (پویایی چند جانبه) را نشان نمی‌دهند، اما این تغییرات توسط روش داده‌های تابلویی بهتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. روش داده‌های تابلویی، توانایی بهتری در تشخیص و اندازه‌گیری اثراتی که به راحتی در مطالعات مقطعی و سری زمانی خاص قابل پیش‌بینی نیستند، دارد و به محقق اجازه می‌دهد الگوهای رفتاری پیچیده‌تری را در مقایسه با داده‌های مقطعی یا سری زمانی خاص بسازد و آزمایش کند (Baltagi, 1995).

۴- نتایج تجربی

نتایج برآورد الگوها برای ۳۰ کشور منتخب در دوره ۲۰۰۴-۲۰۱۳ در جدول (۲) آمده است.

۱. برای آشنایی بیشتر با روش داده‌های تابلویی، به مقاله بالتاجی (۱۹۹۵)، زراء نژاد و انواری (۱۳۸۴) و پایتختی اسکویی و طبیحی اکبری (۱۳۹۱) مراجعه شود.

جدول (۲): نتایج برآوردها با استفاده از شش الگو

متغیر توضیحی	الگوی ۱ با روش *	الگوی ۲ با روش *	الگوی ۳ با روش *	الگوی ۴ با روش *	الگوی ۴ با روش **	الگوی ۵ با روش **	الگوی ۶ با روش *	الگوی ۶ با روش **
محیط کسب و کار	۰/۰۱۴۸ [۰/۰۰۰۶]	۰/۰۴۴۵ [۰/۰۰۰۵]	۰/۰۶۳۹ [۰/۰۰۰۰]	۰/۰۵۳۰ [۰/۰۰۰۰]	۰/۰۵۳۰ [۰/۰۰۰۷]	۰/۰۵۰۵ [۰/۰۰۰۳]	۰/۰۵۵۵ [۰/۰۰۰۱]	۰/۰۵۳۰ [۰/۰۰۱۸]
آزادی اقتصادی	۰/۱۱۸۵ [۰/۰۱۸۲]	۰/۱۷۱۹ [۰/۰۰۰۶]	۰/۱۴۷۶ [۰/۰۰۳۱]	۰/۱۴۶۸ [۰/۰۱۷۸]	۰/۱۳۶۲ [۰/۰۴۶۵]	۰/۱۵۳۴ [۰/۰۰۵۵]	۰/۱۴۰۹ [۰/۰۳۹۳]	
باز بودن تجاری			۰/۰۰۵۹ [۰/۰۷۱۳]	۰/۰۰۴۴ [۰/۱۸۱۶]	۰/۰۰۵۱ [۰/۲۷۰۰]	۰/۰۰۷۲ [۰/۱۴۵۶]	۰/۰۰۶۷ [۰/۲۶۸۱]	
رشد جمعیت				۰/۶۶۵۱ [۰/۰۰۷۱]	۰/۶۶۵۲ [۰/۰۲۳۵]	۰/۶۲۲۰ [۰/۰۴۳۹]	۰/۶۶۲۱ [۰/۰۱۱۴]	۰/۶۱۴۹ [۰/۰۴۸۲]
تشکیل سرمایه ناخالص						۰/۰۲۴۴ [۰/۴۹۴۶]	۰/۰۱۴۴ [۰/۶۲۲۹]	۰/۰۳۵۶ [۰/۳۳۳۷]
سرمایه گذاری مستقیم خارجی							-۰/۰۴۵۵ [۰/۴۸۳۸]	-۰/۰۲۶۳ [۰/۷۱۹۴]
تعداد مشاهدات	۲۶۸	۲۴۹	۲۲۳	۲۲۳	۲۲۳	۲۱۷	۲۱۲	۲۱۲
R ² تعدیل شده	۰/۰۳۹۵	۰/۰۶۶۸	۰/۱۷۲۴	۰/۱۹۳۸	۰/۱۱۸۲	۰/۱۰۹۳	۰/۲۱۰۲	۰/۱۲۶۸
آماره F	۱۱/۹۷۶۶ [۰/۰۰۰۰۶]	۹/۸۷۶۵ [۰/۰۰۰۰]	۱۶/۴۱۶۹ [۰/۰۰۰۰]	۱۴/۳۴۴۷ [۰/۰۰۰۰]	۸/۴۴۱۹ [۰/۰۰۰۰]	۶/۲۹۹۳ [۰/۰۰۰۰]	۱۰/۳۵۸۷ [۰/۰۰۰۰]	۶/۱۰۶۴ [۰/۰۰۰۰]

نکته ۱- *: تصادفی یک طرفه زمانی **: تصادفی یک طرفه مقطعی

نکته ۲- اعداد داخل کروشه، Prob هستند؛ یعنی یک منهای اعداد داخل پرانتز، احتمال تأیید ضرایب برآورد شده را نشان می‌دهد.

نکته ۳- در همه الگوها، ضریب ثابت (عرض از مبدأ) وجود دارد که از نوشتن آن خودداری شده است.

نکته ۴- در همه آزمون‌ها و برآوردها، سطح معنی داری ۵ درصد در نظر گرفته شده است.

منبع: یافته‌های این پژوهش

همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، به منظور بررسی اثر محیط کسب و کار و آزادی

اقتصادی بر رشد اقتصادی، ۶ الگو با استفاده از نرم افزار Eviwes برآورد شده است. به این صورت که از الگوی ۱ تا الگوی ۶، در هر الگو، یک متغیر به متغیرهای توضیحی الگو (با استدلالی که در بخش تبیین الگوی پژوهش توضیح داده شد) اضافه شده است.

از آنجا که همه متغیرهای توضیحی در الگوی ۶ وجود دارند، و معنی داری متغیرها نیز در این الگوهای شش گانه تغییر چندانی نکرده است، از این رو الگوی ۶، الگوی نهایی مقاله است که به دو روش (روش اول: تصادفی یک طرفه زمانی و روش دوم: تصادفی یک طرفه مقطعی) تخمین زده شده است. البته ابتدا برای مشخص کردن نوع تخمین الگو در هر دو روش، از دو تست F لیمر (و یا تست کی دو) و هاسمن استفاده می شود.

بر اساس الگوی ۶ به روش اول یعنی تصادفی یک طرفه زمانی، با توجه به مقدار تست F لیمر (۵/۳۳۳۴) با درجه آزادی (۸/۱۹۷) و احتمال^۱ (۰/۰۰۰۰) همچنین با توجه به مقدار تست کای دو (۴۱/۵۶۲۳) با درجه آزادی (۸) و احتمال (۰/۰۰۰۰)، فرضیه H_0 مبنی بر روش Pooling (نبود اثرات ثابت) رد می شود و لذا اثرات ثابت پذیرفته می شود. همچنین، با توجه به مقدار تست هاسمن (۴/۱۵۴۷) با درجه آزادی کای دو (۶) و احتمال (۰/۶۵۵۷)، فرضیه H_0 مبنی بر وجود اثرات تصادفی رد نمی شود. از این رو، روش اثرات تصادفی پذیرفته می شود.

بر اساس الگوی ۶ به روش دوم یعنی تصادفی یک طرفه مقطعی، با توجه به مقدار تست F لیمر (۱/۵۹۸۳) با درجه آزادی (۲۷/۱۷۸) و احتمال (۰/۰۳۸۸) همچنین با توجه به مقدار تست کای دو (۴۶/۰۲۱۳) با درجه آزادی (۲۷) و احتمال (۰/۰۱۲۷)، فرضیه H_0 مبنی بر روش Pooling (نبود اثرات ثابت) رد می شود و لذا از بین دو روش Pooling و اثرات ثابت، روش اثرات ثابت پذیرفته می شود. همچنین، با توجه به مقدار تست هاسمن (۸/۰۹۲۸) با درجه آزادی کای دو (۶) و احتمال (۰/۲۳۱۴)، فرضیه H_0 مبنی بر وجود اثرات تصادفی، رد نمی شود؛ به عبارت دیگر، از بین دو روش اثرات ثابت و تصادفی، روش اثرات تصادفی پذیرفته می شود. لذا بر اساس هر دو روش، وجود اثرات تصادفی پذیرفته می شود. در نتیجه، برآوردها بر اساس روش داده های تابلویی از نوع اثرات تصادفی است.

بر اساس جدول (۲)، اثر محیط کسب و کار بر رشد اقتصادی در همه‌ی الگوها در سطح معنی-داری ۵ درصد، مثبت و معنادار است. همچنین آزادی اقتصادی نیز در همه الگوها در سطح معنی-داری ۵ درصد، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. بر اساس نتایج هر دو روش از الگوی ۶، باز بودن تجاری اثر معناداری بر رشد اقتصادی ندارد؛ این در حالی است که رشد جمعیت در هر روش، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد. همچنین تشکیل سرمایه ناخالص داخلی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی اثر معناداری بر رشد اقتصادی نداشته‌اند.

همچنین برای این که به توان گفت از بین محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی، کدام یک تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد، باید از آزمون برابری ضرایب استفاده کرد. از آنجا که برای این دو متغیر، تعداد مشاهدات و واریانس یکسان است، لذا باید از آماره t زیر استفاده کرد:

$$t = \frac{X_1 - X_2}{S_{X_1 X_2} \sqrt{\frac{1}{2} (S^2_{X_1} + S^2_{X_2})}} \quad (3)$$

در این آزمون، فرضیه H_0 ، برابری ضریب متغیرهاست و فرضیه مقابل این است که ضریب آزادی اقتصادی از ضریب محیط کسب و کار، بزرگ تر است (زیرا اگر مقدار ضریب آزادی اقتصادی منهای مقدار ضریب محیط کسب و کار شود، حاصل این تفریق، مثبت می شود).

از آنجا که در الگوی ۶ به روش اول (تصادفی یک طرفه زمانی)، انحراف معیار آزادی اقتصادی و محیط کسب و کار به ترتیب ۰/۰۵۴۷ و ۰/۰۱۳۴ است، لذا مقدار آماره t محاسباتی برابر ۴۴/۵ به دست می آید که بسیار بزرگ تر از عدد دو است، لذا فرضیه H_0 رد می شود؛ بنابراین، ضریب آزادی اقتصادی از ضریب محیط کسب و کار بزرگ تر است؛ به عبارت دیگر، آزادی اقتصادی در مقایسه با محیط کسب و کار، تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد.

البته اگر الگوی ۶ به روش دوم (تصادفی یک طرفه مقطعی) را نیز آزمون شود، همین نتیجه حاصل می گردد. در این جا، انحراف معیار آزادی اقتصادی و محیط کسب و کار به ترتیب ۰/۰۶۷۹ و ۰/۰۱۶۷ است. بر این اساس، مقدار آماره t برابر ۱۸/۵ به دست می آید و چون از ۲ بزرگ تر است، لذا فرضیه H_0 رد می شود؛ بنابراین در این جا نیز، ضریب آزادی اقتصادی از ضریب محیط کسب و کار، بزرگ تر است؛ به عبارت دیگر، آزادی اقتصادی در مقایسه با محیط کسب و کار، تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد.

۵- نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد محیط کسب و کار و همچنین آزادی اقتصادی، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارند؛ به عبارت دیگر، محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی نقش مثبت و معناداری در رشد اقتصادی دارند. در واقع، اگر تولید به صورت یک فرآیند و یا یک طیف در نظر گرفته شود، آن‌گاه شرایطی که یک کار تولیدی به آن نیاز دارد نیز باید به دو بخش قبل از شروع تولید و بعد از شروع تولید تقسیم شود. به عبارت بهتر، برای این که یک کار تولیدی به سرانجام برسد و بتواند محصولش را به بازار (در داخل و خارج از کشور) عرضه نماید، باید یک سری شرایط قبل از شروع تولید فراهم شود که همان محیط کسب و کار مناسب است و یک سری شرایط نیز باید بعد از شروع تولید (یعنی در حین فرایند تولید و در زمان توزیع و عرضه محصول به بازار و صادرات آن) مهیا گردد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها آزادی اقتصادی است.

از این رو، به سیاست‌گذاران اقتصادی توصیه می‌شود به منظور تشویق و ترغیب تولید داخلی و ملی، هم شرایط محیط کسب و کار را بهبود ببخشند و هم شرایط آزادی اقتصادی را به منظور برقراری امنیت اقتصادی برای فعالیتهای تولیدی فراهم نمایند؛ زیرا یک سرمایه‌گذار قبل از این که در بخش‌های تولیدی، سرمایه‌گذاری نماید، کل شرایط فرآیند تولید (قبل و بعد از تولید) را از ابتدا تا انتها مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌دهد و در صورتی که کل این فرآیند برایش جذاب باشد، اقدام به سرمایه‌گذاری و تولید می‌نماید؛ بنابراین به منظور رسیدن به رشد اقتصادی بالاتر باید شرایط تولید را فراهم نمود که از آن جمله می‌توان به بهبود محیط کسب و کار و آزادی بیشتر اقتصادی برای فعالیتهای تولیدی اشاره نمود.

همچنین، بر اساس یافته‌های این پژوهش، آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب و کار، تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب دارد. این بدان معنی است که به منظور رسیدن به رونق تولید و رشد اقتصادی، استراتژی آزادی اقتصادی بر بهبود محیط کسب و کار اولویت دارد. این مسئله با نظریه‌های اقتصادی نیز سازگار است، زیرا تا زمانی که برای سرمایه‌گذاری و تولید، امنیت و آزادی اقتصادی وجود نداشته باشد، یک سرمایه‌گذار به دنبال اخذ مجوز برای تولید نمی‌رود؛ هر چند فرایند اخذ مجوز و شروع کسب و کار، بسیار آسان باشد. از این رو، به سیاست‌گذاران

اقتصادی توصیه می‌گردد که برای آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب و کار اهمیت بیشتری قائل باشند؛ یا به عبارت دیگر، در سیاست‌گذاری‌ها اولویت را به ایجاد شرایط لازم برای ارتقای آزادی اقتصادی بدهند.

references

- 1- Abdollahi, F., Mehrabani, F., & Basirat, M. (2013). Comparison of indicators of doing business and economic growth: A case study of Iran and member states of the Organization for Economic Cooperation and Development (OECD), 1st National E- Conference on Future perspective of Iranian Economy (national production supporting approach). Islamic Azad University (Khorasgan Brabnch). Isfahan. Iran. available at: conference.khuisf.ac.ir (In persian).
- 2- Baltagi, B. (1995). *Econometric analysis of panel data*, Wiley.
- 3- Barro, R.J & Martin, X. (1995). *Economic Growth*. New York: McGraw-Hill, Inc.
- 4- Bigsten, A, P. Collier, S. Dercon, M. Fafchamps, B. Gauthier, J.W. Gunning, J. Habarurema, A. Oduro, R. Oostendorp, C. Pattillo, M. Söderbom, F. Teal and A. Zeufack. (2000). Exports and firm-level efficiency in African manufacturing, CSAE Working Paper 2000/16, Oxford University, available at: <http://econpapers.repec.org/paper/ftthetocomo/2000-04.htm>
- 5- Borensztein, E., Gregorio, J. W. & De Lee. (1998). How does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth?. *Journal of International Economics*, Vol. 45, pp.115-135.
- 6- Colin Xu, L. (2011). The Effects of Business Environments on Development: Surveying New Firm-level Evidence. *The World Bank Research Observer*. vol. 26, no. 2, pp. 310-340, available at: <http://wbpro.oxfordjournals.org/content/26/2/310.full.pdf+html>
- 7- Daman Keshideh, M., Khoda Bakhsh Zadeh, S. (2012). Investigate the effect of business regulations and FDI on economic growth in the countries of G77, *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 6, No. 21, pp. 109-81. (In persian).
- 8- Djankov, S., McLiesh C., Ramalho R. M. (2006). Regulation and growth, *Economics Letters*, Elsevier, Vol.92 (3), pp. 395-401.
- 9- Edwards, S. (1992). Trade Orientation, Distortions and Growth in Developing Countruse. *journal od Development Economics*, Vol. 391, pp. 31-57.
- 10- Farhadi, (2004), Effects of foreign trade and economic growth of Iran, *The journal of planning and budjeting*, Vol. 9 (1), pp. 27-58. (In persian).
- 11- Fat hi, A. R. (2013). Improving the doing business to attract foreign investment, *Economic Journal (Journal of Evaluation of Economic Issues and Policy)*, Vol 13, No. 3 and 4, pp: 5-20. (In persian).
- 12- Gillanders, R. & Whelan, K. (2010). Open For Business? Institutions, Business

- Environment and Economic Development, working paper, University College Dublin, available at: www.karlwhelan.com/Papers/gillanderswhelan.pdf
- 13- Haidar, Jamal Ibrahim. (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth, *Journal of The Japanese and International Economies*, Elsevier, vol. 26(3), pp. 285-307.
 - 14- Hosseinzade Bahreini, M. H., Falahi, M. A., Erfany Jahanshahi, F. (2012). The Effect of Business Regulations on Economic Growth (A Selection of Developed and Developing Countries). *Journal of Economy and Regional Development*. Vol. 19, No. 3, pp. 101-121. (In persian).
 - 15- Hozarmoghadam, N. & Abdoli, Gh. (2013), The effects of trade liberalization on productivity in the manufacturing sector, *Quarterly Journal of Economic Strategy*, vol. 2 (4), pp. 7-38. (In persian).
 - 16- Jalal Abadi, A. & Bahrami, J. (2010). Determinants of economic growth in different groups (a new approach to the determinants of economic growth), *Quantitative Economics (Former Economic Reviews)*. Vol. 7, No. 1, pp. 51-23. (In persian).
 - 17- Johnson, B. T., Holmes, K. R., Kirkpatrick, M. (1999). The 1999 Index of Economic Freedom: Executive Summary, The Heritage Foundation Wall Street Journal.
 - 18- Karimi Tekanlu, Z., Sadeghi, S. K., & Sattari, M. (2013). Study of factors affecting doing business in Iran (With an emphasis on public investment). The first international conference on sustainable development with approach to improve the doing business. Mashhad. Iran. available at: www.civilica.com. (In persian).
 - 19- Mahdavi, A. (2004). Analysis of the role of foreign investment in economic growth, *Economic Research Journal*, Vol. 39, No. 3 (serial number. 66), pp. 181-208. (In persian).
 - 20- Mankiw, N. G., Romer, D., Weil, D. N. (1992). The Quarterly Journal of Economics, Vol. 107, No. 2. (May), pp. 407-437.
 - 21- Mehrabian, A.; Sedghi Sigarchi, N. (2010). The effect of population growth on economic growth in the four income groups over the years (1985-2007), *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 5, No. 13, pp. 97-114. (In persian).
 - 22- Naji Meydani, A. A. (2003). Effects of economic globalization on growth, employment and income distribution in Iran. Economic Thesis (PhD), Tarbiat Modarres University, Faculty of Humanities, Department of Economics. Tehran. Iran. (In persian).
 - 23- Paytakhti Oskooe S. A., Tabagchi Akbari L. (2012). Applying of panel data in econometric modelling of energy section. The First International Conference on Econometrics. Islamic Azad University (Sanandaj Brabnch). Kordestan. Iran. pp. 1-22. available at: www.civilica.com. (In persian).
 - 24- Pourmiri, M. (2012). Calculating the contribution of labor and physical capital, human resources and research and development in the economic growth of Iran (1974- 2007). First regional conference on research and new approaches

- in accounting and management. Shafagh non-profit institution of higher education, Tonkabon, Mazandaran, Iran. available at: www.civilica.com. (In persian).
- 25- Pourshahabi, F., Mahmoudiani, D. & E. Salimi Soderjani. (2011). FDI, Human Capital, Economic Freedom and Growth in OECD Countries, *Research Journal of International Studies*, No. 19, pp. 71-81.
 - 26- Razmi, A. A., Razmi, M. J., Shahraki, S. (2009). The Effect of Economic Freedom on Economic growth with Institutional Approach (Causal Investigation). *Journal of Science and Development*, Vol. 16, No. 28, pp. 157-127. (In persian).
 - 27- Shahnazi, R. (2006). The effect of economic freedom on per capita income and economic growth (the approach of Panel Data), *Journal of Humanities and Social Sciences*, Vol. 6, No. 20, pp: 84-59. (In persian).
 - 28- Shahnazi, R. & Dehghani Shabani, Z. (2011). examining the impact of the doing business and economic growth in selected countries, *Economic Journal*, Vol. 11, No. 3, pp: 161-185. (In persian).
 - 29- Solow, R. M. (1956). A contribution to the theory of Economic Growth, *Quarterly Journal of Economics*, LXX, pp. 65-94.
 - 30- Solow, R. M. (1957). *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 39, No. 3, pp. 312-320.
 - 31- Tayebi, S. K. (2013). The need for government support of small enterprises and medium enterprises to improve the doing business, the magazine of the Chamber of Commerce, Industry, Mines and Agriculture, Isfahan, Vol 64, No. 64 and 65, pp. 16-13. (In persian).
 - 32- Tayebi S. K., Haji Karami M., Sariri H. (2011). The Effect of Financial and Trade Openness on Financial Development: Evidence from Iran and its trade Partners (1996-2009). *Quarterly Journal of Economic Development Research*. Vol. 1, No. 4, pp. 39-60. (In persian).
 - 33- Tayebi S. K., Pourshahabi F., KhaniZadeh Amiri M., Kazemi E. (2013). The Effects of the Foreign Direct Investment and Openness on the Domestic Investment and Economic Growth: Case Study of 10 Asian Developing Countries. *Quarterly Journal of Economic Research and Policies* Vol. 21, No. 67, pp. 131-152. (In persian).
 - 34- The Heritage Foundation. (2014). Highlights of the 2014 index of Economic Freedom, Promoting Economic Opportunity and Prosperity. available at: www.Heritage.org and http://thf_media.s3.amazonaws.com/2014/pdf/Index2014_Highlights.pdf
 - 35- The Heritage Foundation. (2014). Methodology for the 10 Economic Freedom, available at: www.Heritage.org
 - 36- Van Den Berg, H. (2012). *Economic Growth and Development*. MC Graw Hill, World Scientific Publishing Company; 2 edition.
 - 37- World Bank's World Development Indicators (WDI), available at: www.WorldBank.org
 - 38- World Bank Doing Business Database, available at:

<http://www.doingbusiness.org>

- 39- World Bank, Doing Business Report. (2014). Understanding Regulations for Small and Medium-Size Enterprises, Comparing Business Regulations for Domestic Firms in 189 Economies, available at: <http://www.doingbusiness.org>
- 40- ZarraNezhad, M. & Anvari, E. (2005). Reviews of Panel Data, Application in Econometrics. Journal of Quantitative Economics (Former Economic Reviews). Vol. 2, No. 4, pp. 21-52. (In persian).



پیوست‌ها

پیوست ۱- شاخص محیط کسب و کار

گروه محیط کسب و کار بانک جهانی با استناد به ده شاخص کمی که ده مرحله از عمر یک کسب و کار را از زمان شکل‌گیری تا انحلال آن در بر می‌گیرد، در مورد میزان مناسب بودن محیط اقتصادی کشور برای انجام فعالیت اقتصادی قضاوت می‌کند. بر این اساس شاخص محیط کسب و کار مزبور محاسبه و به صورت مقایسه‌ای برای همه کشورهای بررسی شده، گزارش می‌گردد. این شاخص‌ها عبارتند از:

- (۱) شروع کسب و کار: که فرآیند ثبت شرکت را از نظر تعداد مراحل، مدت زمان مورد نیاز و هزینه صرف شده برای آغاز فعالیت را در نظر می‌گیرد.
- (۲) اخذ مجوزها: شامل تمامی فرآیند لازم‌الرعايه برای اخذ مجوزهای مورد نیاز تا تأسیس و راه‌اندازی یک کارگاه است که مطالعه موردی این شاخص نشان‌دهنده تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه صرف شده برای دریافت مجوزهای مورد نیاز با استاندارد معین هر کشور است.
- (۳) شاخص استخدام و اخراج نیروی کار: میزان دشواری استخدام، انعطاف پذیری ساعت کار، دشواری اخراج، هزینه استخدام و هزینه اخراج را می‌سنجد.
- (۴) ثبت مالکیت: فرآیند لازم جهت ثبت دارایی در دفتر اسناد رسمی می‌باشد. تعداد مراحل، مدت زمان و هزینه‌های مترتب بر ثبت مالکیت در دفاتر اسناد رسمی سنجش می‌شود.
- (۵) اخذ اعتبار: این شاخص میزان توانمندی و امکان سنجش گسترده، دقت اطلاعات اعتباری و میزان پوشش اطلاعات مالی افراد حقیقی و حقوقی است که توسط بخش دولتی یا بخش خصوصی ثبت و در اختیار سایر سازمان‌ها یا افراد قرار داده می‌شود تا بر اساس اعتبار تعیین شده به ارزیابی فعالان اقتصادی بپردازند.
- (۶) حمایت از سرمایه‌گذاران: در این شاخص بررسی می‌شود که صاحبان سرمایه تا چه اندازه مورد حمایت نهادهای قانونی و رسمی هستند؛ به‌ویژه در معاملاتی که در آن‌ها منافع مدیران با منافع شرکت یا منافع دولت در تعارض است.
- (۷) پرداخت مالیات: این شاخص مأخذ تعلق مالیات، دفعات پرداخت، زمان تعیین و پرداخت و

کل مالیات قابل پرداخت را بر حسب درصد از سود حاصل از فعالیت‌های اقتصادی را ارزیابی می‌کند.

۸) تجارت فرامرزی: تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای صادرات، میزان تعرفه‌ها و عوارض و همچنین تعداد مراحل، تعداد امضا، تعداد اسناد و تعداد روز برای واردات و میزان تعرفه‌ها و عوارض را می‌سنجد.

۹) انحلال یک فعالیت: تعداد مرحله، زمان لازم برای دادرسی و هزینه پرداخت شده برای پایان دادن به یک فعالیت اقتصادی در این شاخص مورد بررسی و ارزیابی قرار می‌گیرد.

۱۰) الزام آور بودن قراردادها: زمان و هزینه لازم برای اعلام ورشکستگی و چگونگی توزیع دارایی‌های شرکت ورشکسته میان طلبکاران را در بر می‌گیرد (Djankov et al., 2006).

پیوست ۲- شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج

شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، اولین بار در اواخر دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. هدف از معرفی آن، بسط یک شاخص برای اندازه‌گیری تجربی سطح آزادی اقتصادی در کشورهای جهان بوده است. بدین منظور مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی در نظر گرفته شده و از سال ۱۹۹۴ این معیار برای درجه‌بندی کشورهای مختلف در انتشار سالانه شاخص آزادی اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. تهیه‌کنندگان این شاخص معتقدند این شاخص تنها فهرست تجربی امتیازات نبوده، بلکه تحلیلی دقیق از عواملی است که بیشترین نقش را در نهادینه کردن رشد اقتصادی دارند و بسیاری از نظریه‌های موجود درباره ریشه‌ها و عوامل توسعه اقتصادی در نتایج مطالعه لحاظ شده- اند (Naji Meydani, 2003).

شاخص آزادی بنیاد هریتیج، شامل ۱۰ بخش خاص می‌شود و مقدار آن از میانگین ساده این ۱۰ بخش به دست می‌آید. این بخش‌ها عبارتند از:

۱) آزادی کسب و کار: توانایی افراد در خلق، انجام و یا اتمام آسان و سریع یک فعالیت تجاری است. قوانین اضافی و سنگین از مهم‌ترین موانع آزادی تجاری است.

۲) آزادی تجارت خارجی: که یک شاخص ترکیبی است و مستلزم نبود موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای است. وجود موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای باعث محدودیت صادرات و واردات کالاها و خدمات می‌شود.

۳) آزادی پولی: که شاخصی برای اندازه‌گیری ثبات قیمت‌ها است. وجود تورم و نیز کنترل قیمت‌ها در اقتصاد باعث اختلال در عملکرد بازار می‌شود. وجود ثبات قیمت‌ها و عدم دخالت در اقتصاد خرد برای بازار آزاد ضروری است.

۴) مخارج دولتی: این شاخص در برگیرنده همه مخارج دولت (از قبیل مصرف و پرداخت‌های انتقالی) و بنگاه‌های دولتی است. در یک حالت ایده‌آل یک دولت باید کالاهای عمومی را با دخالت در اقتصاد تولید کند.

۵) آزادی فیزیکی: این شاخص در برگیرنده هزینه‌های دولت از بخش درآمد است و هم هزینه‌های مالیات را برحسب بالاترین نرخ مالیات بر درآمد و هم کل مالیات را به صورت بخشی از GNP در بر می‌گیرد.

۶) حقوق مالکیت: به معنی توانایی افراد در انباشت دارایی خصوصی است و به وسیله قوانین واضحی که به وسیله دولت وضع می‌گردد، حمایت می‌شود.

۷) آزادی سرمایه‌گذاری: شاخصی برای ارزیابی جریان آزاد سرمایه در اقتصاد است. این شاخص به طور خاص در برگیرنده جریان آزاد سرمایه خارجی است.

۸) آزادی مالی: شاخصی برای اندازه‌گیری میزان استقلال بانک‌ها از دولت است. مالکیت دولتی بانک‌ها و سایر مؤسسات مالی، شبیه بیمه و بازار سرمایه، باعث کاهش کارایی این مؤسسات می‌شود و در بازار سرمایه آزاد جایی ندارد.

۹) آزادی از فساد: این شاخص بر پایه داده‌های کمی بنا شده است که میزان فساد در محیط اقتصادی و کسب و کار را اندازه‌گیری می‌کند و شامل فساد مربوط به قوانین دولتی، فساد قضایی و فساد اداری است.

۱۰) آزادی نیروی کار: این شاخص میزان آزادی کارگران و بنگاه‌ها در تعامل با هم را در شرایطی که دخالت دولت وجود ندارد، بررسی می‌کند (The Heritage Foundation, 2014).